

بقیه از شماره های پیش

آغاز جراحی

نکارش

دکتر نعمت الله کیمیانی

دانشیار کالبد شناسی دانشکده پزشکی

و متصلی تدریس کالبد شناسی هنر کده

جراحی تنها جنبه علمی ندارد بلکه دارای جنبه صنعتی نیز میباشد و بیان دیگر جراحی علمی است غامض و مشکل و بکار بردنش نوعی از هنر بشمار میروند و بدین سبب باقوانین ثابت و اساسی بعضی از علوم و فق نمیدهد و بلکه خصائص اخلاقی شخص جراح دارای اهمیت بالاتر و عالیتر از آن قوانین میباشد.

علم پزشکی صنعتی بزرگ و ظریف است ولی با جراحی که هر روز سبب ادامه زندگی یا مرگ آنی است اختلاف کلی دارد. یکی از خصائص ممتاز پزشک عالی مقام صنعت تشخیص است ولی گویا بعضی از پزشکان بقدرت پزشکی چندان توجه نکرده و رفتہ رفته بیشتر اوقات علاج بیماری را تنها بدست طبیعت و قوای درونی بدن و امی گذارند در صورتیکه موازنی بیمار با بهترین روش صنعتی است که اغلب پزشکان دارا بوده و در سرعت علاج بکار میبرند. پزشکان بزرگ اوقات خود را بیشتر به طالعات سریری و تجسس های آزمایشگاهی مصروف داشته و کمتر برای موازنی و تماس با بیمار وقت دارند و اگر برنجوری نزدیک شوند برای جستجوی علائم و سبب های اصلی بیماری و کشف دارو و درمان حقیقی آنست - اینسان که ظاهرآ ایمان درستی بعلاج بیماری نشان نمیدهد با هوش سرشار و کار دائم و فوق العاده خویش در فن علاج کمک شایان تری بنوع بشر مینمایند و در نتیجه مساعی آنان است که امروزه همه کس از تابع عالی و مفید درمان بوسیله واکسن و سرم بهره مند میباشد از این رو معالجه و جلوگیری هاری و خناق و حصبه و کرزاز و حتی طاعون از بزرگترین پیشرفت های پزشکی بشمار میروند.

باید دانست که روح تجسس و استغالت در جراح کیفیت خاصی دارد. البته تشخیص

بیماری‌های جراحی بجای خود صنعت مشکلی است. زیرا اگر اغلب تشخیص دقیق به آسانی تعین می‌شود اما گاهی با وجود وسائل جدید و کامل که در دست است تشخیص غیر ممکن می‌باشد. بعضی اوقات گراینکه تشخیص اساس تصمیم می‌باشد اصرار در آن فایده چندان ندارد و آنچه در بادی نظر از جراح چشم دارد تعین لزوم عمل می‌باشد. و در آن بیشتر جراحان باداشتن کمی تجربه و هوشیاری توافق نظر حاصل می‌کنند. این جا است که اختلاف بزرگ پزشکی و جراحی هویدا می‌شود. بدین معنی که جراحان به قدرت و توانائی صنعت جراحی ایمان قطعی داشته و بمؤثر بودن آن معتقدند این است که کارهای آزمایشگاهی پر زحمت را پزشکان و آگذارده و کار پر زحمت تراطاق عمل را خود عهده دار می‌شوندو براستی باید گفت که تمام هم یک جراح حقیقی باید فقط بعمل مصرف شود و دستهای خود را بیزرساند و عالیترین کار که تعسیس در داخل بدن انسان می‌باشد مشغول سازد.

بدون شک جراحان بزرگی یافته می‌شوند که بکارهای آزمایشگاهی و مطالعات سریری نیز اشتغال می‌ورزند و مقام بزرگ خود را ارجمند می‌سازند و علاوه بر جراح بودن در زمرة دانشمندان قرار می‌گیرند ولی آنچه که در خارج عمل جراحی انجام می‌گیرد دیگر جراحی نبوده بلکه قسمی است از پزشکی.

تنها منزلت و مقام جراح منوط و مربوط بعمل جراحی است بنابر این استحقاق عمل کردن و عملی که بستگی کامل بحیات و ممات نوع بشر دارد محقق‌الازمه اش بینائی و دانش است و جراح باید بخوبی بداند که دستهایش در هنگام عمل که با گوشت و پوست انسان سرو کار دارند کمترین ضعف و تردیدی نداشته و همچنین وظیفه داراست که از پیش باهمیت و نقشیکه دستهای او در موقع عمل عهده دار است پی ببرد.

شناسائی و ایمان بشغل جراحی در جراح ایجاد اطمینان می‌کند و این اطمینان فقط در نتیجه تمرین و تربیت صحیح و جدی در طول سالیان دراز بدمست می‌آید.

واضح است علم جراحی برای اشخاصیکه می‌خواهند روزی جراح نامیده شوند لازمه اش دانستن است ولی صنعت جراحی عبارت از راه و روش خاصی است که هر جراح اطلاعات قبلی را بکار می‌برد و این روش صنعتی با شخص عمل کننده بوجود می‌آید باید دانست که اساس و بنیان حقيقی و غير قابل تغیر علم و وضعت جراحی

کالبد شناسی است و بدون شناسائی دقیق بساختمان کالبد انسانی جراح خوب شدن

غیر ممکن خواهد بود (۱۰) از این شرایط ممکن است عملهای مانند قطع ران و غیره باشناست ای مختصری بکالبد بخوبی آنجام شود و همچنین بسیاری از اعمالهای جراحتی تنها باعمند مرتبه دیدن باشانی صورت پذیر گردند ولی جراح واقعی باستثنای بعضی قسمهای تخصصی مانند جراحتی چشم و گوش و حلق و بینی یا جراحت اطفال و غیره که لازمه مطالعات و تجربیات ممتد و مخصوصی میباشد از عهده هر نوع عمل بخوبی بر میاید. جراح واقعی عملهای جراحتی دست و پا و مقابله و شکم و زنانه و بخصوص سر و گردن را که مشکل تزویج طرب کننده تو از همه است براحتی بکسانی انجام میدهد. این جراحتی عمومی بدون شناسانی عمیق بکالبد شناسی صورت پذیر نیست و این شناسی چندین سال مطالعه و زحمت لازم دارد و فقط اشخاصی که تنها بمطالعه کالبد شناسی اکتفا نکرده و تو انتهای اند بدیگران هم تعلیم کنند اثر محو نشدنی و دائمی ساختمان بدن را در مفر خود جایگیر میسازند.

در سنواری مشکل بدن که اعضاء بسیاری در هم و برهم و مجاور یکدیگر قرار دارند و قطع هریک از آنها باعث بدیگر و خطر غیر قابل ترمیم است مثل پایه کبدی و خواهی گلوی رحم و بعضی از نواحی گردن و غیره ممکن نیست که عمل جراحتی را بطور صحیح انجام داد مگر اینکه وجود آن موقعیت های دشواری که ممکن است در حقیق عمل اتفاق افتد در نظر داشته و دانست که بجان بیمار از روی جهالت و نادانی به خطر بیفتاده است.

در اینجا یاد آور نمیشود که تنها داشتن اطلاعات در صنعت جراحتی کافی نبوده و تیموران این صنعت ظرفی را فقط از مطالعه کتب بدست آورد بلکه علاوه بر ذوق مخصوص جراحتی و دیدن بیماران و مشاهدات دقیق سالیان دراز نیز وقت خواهد تا برای جراح صنعتی را که تجربه میشاند حاصل شود.

یکی از تجربیات لازم جراح فقط بر اثر تماسای عمل بدست میاید. میایست وقت و دید چگونه سایر استادان و جراحان عمل میکنند و این تجربه با مطالعه یهترین کتاب و بالشکال واضح و کامل حاصل نمیشود. متاسفانه بسیاری از جراحان که کمی متن هم شده باشند ممکن است تصور کنند که برای آنها دیگر چیزی باد کرفتی وجود ندارد و یا اینکه وقت کافی نداشته باشند اوقات را در اطاق عمل خود میگذرانند نوازیدن روش عمل های دوستان همکار و سخن شاگردانشان غفلت و رازند بالآخره

بزرگترین منبع و منشاء که جراح میتواند از آن عناصر اصلی و مهم جراحی را فراز گرفته و اثر عمیقی در روح خود باقی گذارد اهمان‌اکمل جراح شدن است زیرا که از نزدیک بتجربیات و طرق مختلف حرکات دقیق و ظریف یک عمل شخصاً شرکت نموده و خود را باشکال و اقسام مختلفه صنعت جراحی عادت می‌دهد و مخصوصاً در این هنر کام است که شاگرد آموزش جراحی را آغاز می‌کند - دستها بکار جراحی آشنا شده و روحش تعلیم می‌باشد - اگر استاد دارای خصائص اخلاقی مقتدر باشد در همارت و چابکی سرمشق دیگران را بشد در شاگردان آثار عمیق و همیشگی و برای تمام عزیز باقی می‌گذارد - از طرف دیگر در مقابل مزایای خدادادی ممکن است استاد دارای معايب بزرگی از نزدیک باشد که شاگرد تأثیر نماید بنابراین ترتیب اولیه جراح جوان دارای اهمیت اساسی است . خوب است که دانشجویان و کارورزان بیمارستانها اطراف عمل تمام استادان را بتناوب مشاهده کرده و کمل جراح شوند بدین طریق جراحان را باهم مقایسه کرده صفات نیک و هنرمندی هر یکی را جدا گانه در یابند و بهتر این است که جراح جوان تنها بایک استاد و استاد بزرگ کار نموده عادات و معايب و خصائص اخلاقی و اشتباها و قضاوتهای اورا صرفاً تقلید کند .

بهر صورت آنچه را که بطور عموم مورد لزوم دانش جراحی است از تحصیل دقیق کالبد شناسی و امتحان ممتد بیماران و مطالعه کتب واستماع دروس همه روزه استادان و بالاخره رفت و آمد با طاق عمل سایر همکاران بدست می‌آید ولی جراح حقیقی شدن و مقام استادی را احرار نمودن علاوه بر علم و تجربه که در دسترس علاقه‌مندان بکار جراحی است مستلزم يك رشته خصائص اخلاقی شخصی است که بکلی از علم و تجربه و کار برکنار بوده بتنهای میتواند فن جراحی را بزرگی و توانایی بخشند . روح و ذوق جراحی مقدم برا هر چیز است و بر حسب اشخاص صنعت جراحی را بصورتهای مختلف نمایانند ساخته بزرگی و تعالی میرهایند . صنعت تنها بدون ذوق و ذوق بدون صنعت مخصوصاً در موقع تصمیم و اجرای عمل دارای هیچ نوع ارزشی نخواهد بود . جراح با ذوق در موقع تصمیم گرفتن تصمیمی که ممکن است در تعین بیان و عده حیات و ممات باشد و همچنین در آغاز یک عمل جراحی نداشی در ونی مخصوصی او را هدایت می‌کند . زمزمه علم و صنعت خود را امتزاج داده دلائل شناسائی بیماری و سیر تکامل و عوارض مشکنه آنرا بالحساست شخصی که فتح و ظفر می‌باشد توأم می‌سازد . غالب اوقات دیده می‌شود که در شغل‌های فوق العاده دیگوار مثل سرطان زبان و معده و یا رسم و غیره بالکمال تعجب يك

جراح عمل نکردن و دیگری عمل کردن را دستور میدهد زیرا یکی با تجربیات قبلی و عملهای شبیه بان له خود انجام داده است خاطره بدی داشته و این عمل را دشوار و خطرناک میپنداشد دیگری مکرر همان عمل را با مهارت شخصی بخوبی انجام داده و عمل کردن را مفید و آسان میداند و همین مهارت و چابکی است که در صنعت جراحی عامل اصلی بوده و روح و ذوق جراح را برای تصمیم‌آماده میسازد. جراح واقعی ذوق و مهارت هر دو را بیک میزان بکار میرد زیرا مهارت تنها و قشنگی عمل کافی نیست بلکه فوائد و نتایج بعدی و خدمت به بیمار و همنوع را همواره بایست در نظر داشت. هیچکس مانند جراح نیست که آنقدر روحش در معرض امتحانات سخت قرار گیرد. هر روز مسئولیتی را در مقابل خود مجسم می‌بیند هر ساعت با انواع مختلف واژ گوش و کثار ازا و خواهش و در خواست میشود که به بالین بیمار رفته وزندگی بیمار را بدمست بگیرد زندگی بیماری که بعضی اوقات از نظر اجتماعی اهمیت فوق العاده دارد از قبیل بیماری اطفال جدید الولاده و زنها بخصوص زنهای جوان که بوجود آور نده اطفال میباشد.

جراح لایق باید دارای روحی قوی بوده و در مقابل بزرگترین و سخترين مسئولیت ها تاب مقاومت داشته باشد. بی شک این اضطرابهای شدید و تکانهای روحی که لاینقطع تکرار میشود بخونسردی او افزوده و عادت میشود زیرا انسان بهمه چیز حتی به بد بختی و رنج بیماران عادت میکند معاذالک جراح در مقابل حقایق تلخ زندگی نمیتواند در تالم و تأثر خودداری نماید. استحکام روحی و داشتن جرئت فقط در برابر مسئولیت کافی نیست وجود ملایمت و آرامی و متناسب نیز لازم است. اخلاق تندچه در عمل و چه در هنگام صحبت با بیماران بیچاره و رنجور ناپسند میباشد. این نکته را همیشه باید جراح بداند که مراجعتیش جسمی و روحی رنج میبرند. بیماری که زندگیش منوط و مربوط بیک عمل جراحی است چگونه، میتواند که نگران و مضطرب نباشد با اینکه عمل جراحی و وحشت از آن دیگر قابل مقایسه با پیش نیست زیرا عده عمل شدگان بی حد و اندازه زیاد گردیده و بی خطری و بی آزاری عمل جراحی برهمه روشن و هویدا میباشد و آن ترس و اضطراب قدیم تقریباً از بین رفته است. وقتی که بیماری برای عمل شدن تصمیم میگیرد بخصوص که با همیت عمل هم تا اندازه واقع باشد نگران میشود. هر جراح میداند که عمل جراحی ممکن است بعرک منتهی شود بنابراین شک و تردید بیمار بدیهی است تنها ملایمت و حوصله و دلالت قائم کننده برای مفید بودن و لازم بودن عمل میتواند بیمار را مطمئن سازد. هر چه بیمار ضعیف تر و بد بخت تر باشد بیشتر حق

دارد که طرف توجه و مهربانی جراح قرار گیرد.

شک نیست که فکر و اراده نیک را با شخصیت بی اراده باید تحمیل نموده و بقبول حوادث سخت که ممکن است خطرناک و ناگوار هم بشود با شخصیت بی تصمیم و مردد و ترسو را مجبور کرد خلاصه جراح می بایست مقتدر و استوار و نیرومند بوده و در عین حال بداند که در مقابل هر بیمار چگونه ملایم و نیکو کار باشد. متناسب و با حوصلگی نیز از صفات نیک جراحانی است که نسبت بخود اعتماد داشته و دارای روح مهکم و استوار میباشند و لزوم این صفات مخصوصاً در هنگام عملهای جراحی سخت واضح میگردد زیرا در مورد یک عمل مشکل در محیط آرامی صورت پذیر میباشد هیچ چیز بدتر از این نیست که جراح عصبانی شده و کملک جراح را هر لحظه مورد باز خواست و ملامت قرار دهد و آرامش و متناسب لازمه خود را از دست بدهد. وقتی که عملی روز بخامت میرواند تنها جراح نباید خود را گم کند بلکه سبب حواس پرتی کملک جراح نیز نباید بشود. مثلاً در عملهای گردن که پاره شدن بعضی از اعضاء مهم و شرائین و اعصاب و هجرای تنفسی زندگی بیمار را بسختی تهدید میکند بیشتر لازم است که جراح آرام بوده و نگذارد که اضطراب درو نیش ظاهر شود و تمام توانانی و فعلیت فکری را باید برای بهترین طرق نجات بیمار تمرکز دهد.

باید دانست که یک عمل جراحی نه تنها کار دستهای جراح است بلکه یک شاهکار دماغی است و در اینجاست که هوشیاری و قضاوت صحیح و روشن جراح لازمترین صفات روحی است که او را هدایت نموده و موقعیت‌های دشوار را باسانی حل میکند بالاخره جراح باید روح تصمیم داشته باشد بخصوص تصمیم فوری و در موقع بروز مخاطرات که کوچکترین تأخیر جایز نیست با اینکه یک عمل جراحی تحت تأثیر دماغ اداره می‌شود معذالت صفات جسمانی مخصوصی نیز در این صنعت لازم است و آن ابتدا وجود دستهای قابل می‌باشد یعنی دستها مهکم بوده و حرکاتان ظریف و از روی اندازه معینی انجام گیرند و همچنین حرکات و حالات عمومی جراح باید منظم بوده از حد اعتدال خارج نشود قوای جسمانی و توانانی عمدلانی نه تنها برای برش دان عضوی بطرز نیکو بکار میروند بلکه جراح خوش بنیه هیچ وقت بضعف اعصاب مبتلا نمیشود از همه مهمتر مقاومت به خستگی است زیرا بسیاری از عملهای بعمل مختلف فوق العاده خسته کننده است با بواسطه وضعیت خسته کننده که جراح ناچار در یک عمل بخود می‌گیرد یا طول مدت عمل و یا در عملهای مشکل که مغز جراح دائماً کار کرده در تحت فشار قرار

میگیرد و از طرف دیگر حرارت فوق العاده اطاق عمل و مسموم شدن بواسطه بخارات فرار داروی بیهوشی که در فضای اطاق پراکنده است نیز باید در نظرداشت. اینست که جراح قوی البینیه ساعات متواالی و بدون آنکه ظاهرآ خسته بنظر بیاید عملهای فوق العاده مهم و مشکل را بخوبی انجام میدهد. بالاخره موضوع جوان بودن جراح است مرحله ایست از زندگی که همه جراحان بدان رسیده و خواه نخواه آنروز گار جوانی را در موقعی بپایان میرسانند جراح جوان حرکاتش باروح و سریع بوده روش خاصی بعمل جراحی میدخشد و در عمل باجرات و بعضی اوقات بیاحتیاط بنظر میرسد معدالک در فن خود نارس بوده و فاقد تجربیات زیاد بخصوص درهنگام تصمیم های سخت و خطرناک میباشد. بنا بر این نمیتوان گفت که جراح ضمناً باید جوان باشد بلکه باید گفت جراح باید پیر باشد زیرا وقتی که پیری فرارسید و آن آتش درونی خاموش و تسکین یافت یعنی دستها شروع به لرزیدن نمود و چشمها تار شد جراح لازم است با استراحت خود فکر کند. مانند آن مسافر خسته که در کنار جاده نشسته و عبور اشخاصی را که بعداز او در این راه زیبا قدم نهاده اند می نگرد.

این بود خصائص اخلاقی و روحی و جسمانی که هر گاه بحد اعتمادال و میزان معینی وجود داشته باشد میتواند معرف یک جراح خوبی باشد ولی برای جراح بزرگ و عالیقدر بودن کافی نیست. جراح بزرگ کارش سرمشق دیگران بوده و دارای روح اختراعی و حسن تفکر و یینائی سریع میباشد و بواسطه تجسس و اکتشافات جدید بقسمی برضد بیماری قیام می کند که مدتها پس از مرگ بحال بشر مقید میباشد در جراحی مانند سایر قسمتها مردان بزرگ کمیاب ولی زنده جاویدان اند.